

وقولہ حج



# طواریف و محدودده آن



محمد رحمانی

که بیابیم: آیا «تحدید مطاف» به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم - ع -<sup>۱</sup> (بیست و شش و نیم ذراع) در کلمات فقیهان پیشین که به عصر ائمه - علیهم السلام - نزدیکتر بوده‌اند، وجود دارد؟

گذشته از این، فقیهانی که مطاف را به حد مذکور، محدود دانسته‌اند، در میان ادله<sup>۲</sup> خویش، به روایت ضعیف‌السندی تمسک جسته‌اند و شهرت را جابر ضعف سند به حساب آورده‌اند. بررسی دیدگاه فقهایی ما در طول تاریخ، صحت و سقم این ادعا (شهرت) را در بین قدمای اصحاب روشن خواهد کرد.

مشخص کردن محدوده<sup>۳</sup> مطاف (تحدید مطاف) از مباحث مهم حج است و از آنجا که این مسأله مورد ابتلای همگان است و از طرفی برخی از جوانب آن نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر دارد، این نوشتار به آن اختصاص پیدا کرد. این مقال در پی آن است که ثابت کند تحدید مطاف به حد فاصل خانه و مقام ابراهیم اساس صحیحی ندارد.

بررسی و تحقیق تاریخچه<sup>۴</sup> تحدید مطاف، نقش زیادی در روشن شدن مسأله دارد. از این رو، نگاه اجمالی به آن ضرور می‌نماید. هدف از این سیر تاریخی، آن است



### نگاهی به پیشینه مسأله

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) در کتاب «الهدایة بالخیر» درباره واجبات طواف، تنها این نکته را یادآور شده است که: باید هفت شوط باشد.<sup>۲</sup>

شیخ مفید (۳۳۶، ۴۱۳ ه.ق.) در کتاب «المقنعه فی الأصول و الفروع» فرموده است: «ثم یستفتح الطواف بالحجر الاسود...»؛ «طواف از حجرالاسود شروع می‌گردد».<sup>۳</sup>

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ه.ق.) در کتاب «جمل العلم و العمل» نیز همانند شیخ مفید آغاز طواف را از حجرالاسود و انجام آن را به حجرالاسود واجب شمرده است.<sup>۴</sup>

همو در کتاب «الانتصار» که به مسایل اختصاصی شیعه در حج پرداخته و متعرض این مطلب که طواف باید بین مقام و خانه باشد، نشده است.<sup>۵</sup>

وی، در کتاب «الاقتصاد» که مسایل بیشتری را در ارتباط با طواف متعرض شده، این مطلب را طرح نکرده است.<sup>۶</sup>

ابی صلاح حلبی (۳۴۷-۴۴۷ ه.ق.) در کتاب «الکافی فی الفقه» نیز متعرض این مسأله نشده و فقط فرموده: شروع طواف باید از حجرالاسود باشد.<sup>۷</sup>

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه.ق.) در

«النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی» که نسبت به فقیهان پیش از خود، مسایل زیادتری را راجع به طواف آورده نیز، به این مسأله نپرداخته است.<sup>۸</sup>

وی در کتاب «الجمل و العقود» در احکام طواف فرموده: واجبات طواف چهار چیز است: ۱ - شروع طواف از حجرالاسود؛ ۲ - تکمیل هفت شوط؛ ۳ - طهارت؛ ۴ - دو رکعت نماز، نزد مقام.<sup>۹</sup>

ملاحظه می‌کنید که از تحدید مطاف سخنی به میان نیآورده است.

همو در کتاب «الخلاف» فرمود:

«مسأله: اذا تباعد من البیت حتی

یطوف بالسقایه و زمزم لم یجزه و قال الشافعی یجزئه دلیلنا ان ما ذکرنا مقطوع علی اجزائه و ما ذکره لیس علی اجزائه دلیل، فالاحتیاط ایضاً یقتضی ما قلناه».<sup>۱۰</sup>

هرگاه طواف کننده از خانه به حدی دور گردد که به محل سقایه و چاه زمزم برسد، طوافش مجزی نیست. و شافعی گفته است مجزی است. دلیل ما اینست که آنچه ما، درباره طواف دور خانه گفته‌ایم، قطعاً مجزی است، لیکن مکفی بودن آنچه آنان گفته‌اند (طواف بر سقایه و زمزم) بی‌دلیل است. بل، احتیاط نیز مقتضی قول ماست.

«وأن يكون بين البيت و المقام فمن ترك شيئاً من ذلك لم يجزئه الطواف بدليل الاجماع الماضى ذكره و طريقة الاحتياط و اليقين لبرائة الذمة لأنه لا خلاف فى براءة الذمة منه اذا فعل على الوجه الذى ذكرناه و ليس على برائتها منه اذا فعل على خلافه دليل»<sup>۱۵</sup>

و از واجبات طواف اين است كه بايد (طواف) بين بيت و مقام باشد. و اگر يکى از واجبات طواف را بجا نياورد، طوافش مجزى نيست؛ به دليل اجماع پيشين و چون اين حکم، شيوه احتياط و يقين به براءة ذمه است؛ زيرا بدون هيچ خلافي، اگر طواف را بر شيوه مذکور بياورد، ذمه اش برى شده؛ ولى دليلى بر حصول براءة ذمه بر خلاف اين روش وجود ندارد.

«ابن حمزه» (متوفى حدود ۵۸۰ هـ. ق.) در كتاب «الوسيله الى نيل الفضيله» آورده: طواف بين مقام و بيت را از واجبات طواف شمرده است: «وان يطوف بين المقام و البيت»<sup>۱۶</sup>

«ابن ادريس» (متوفى ۵۹۸ هـ. ق.) در «السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى» فرموده: «و يبغي أن يكون الطواف بالبيت فيما بين مقام ابراهيم - ع - و البيت يخرج المقام فى طوافه»<sup>۱۷</sup>

سزاوار است طواف ميان مقام و خانه

در كتاب «المبسوط فى فقه الاماميه»  
نيز - كه فروعاً زيادى را طرح کرده است -  
در اين ارتباط، فرموده:

«و يبغي أن يكون طوافه فيما بين المقام و البيت و لا يجوز، فان حاز المقام و تباعد عنه لم يصح طوافه»<sup>۱۱</sup>

سزاوار است طواف بين خانه و مقام باشد و از آن حد تجاوز نشود. و چنانچه از مقام تجاوز کرد، طواف صحيح نيست.

عبدالعزيز ديلمى مشهور به «سألر» (متوفى ۴۶۳ هـ. ق.) در كتاب «المراسم العلويه» تنها به اين نکته اشاره کرده است كه: شروع طواف بايد از «حجر الاسود» باشد.<sup>۱۲</sup>

«قاضى ابن براج» (۴۰۰-۴۸۱ هـ. ق.) در كتاب جواهر الفقه متعرض اين مسأله نشده است.<sup>۱۳</sup>

همو در كتاب «المهذب فى الفقه» فرموده: «و يجب أن يكون طوافه بين المقام و البيت»<sup>۱۴</sup> و واجب است طواف بين خانه و مقام واقع شود.

«ابن زهره» (۵۱۱-۵۸۵ هـ. ق.) در «غنية النزوع الى علم الأصول و الفروع» بعد از بيان چندين واجب از واجبات طواف، آورده:

گردد، از نظر مشهور صحیح نیست. لیکن ابن جنید طواف بیرون از مقام را هنگام ضرورت بر اساس روایت «محمد حلبی» جایز دانسته است.

### «طواف» در لغت

خلیل در العین نگاشته: «طاف بالبيت يطوف طواف و أطاق بهذا الأمر، أي أحاط به فهو مطيف». ۲۲ بر خانه طواف کرد؛ یعنی به گرد خانه گشت. بر فلان امر اطاقه کرد؛ یعنی بر آن، اشراف یافت.

ابن اثیر در نهاییه آورده: «الطواف بالبيت: و هو الدوران حوله تقول طفت أطوف طوافاً و طوافاً و الجمع الأطواف». ۲۳ طواف خانه به معنای دورزدن در اطراف خانه است. احمد بن فارس نوشته است: «طوف الطاء و الواو و الفاء أصل واحد، صحیح يدل علی دوران الشئ علی الشئ». ۲۴ «طواف» ... بر دور زدن چیزی بر گرد چیز دیگری دلالت دارد.

فیومی در مصباح المنیر آورده است: «طاف بالشئ يطوف طوافاً و طوافاً استدار به و المطاف موضع الطواف». ۲۵ بر چیزی طواف کرد؛ یعنی بر مدارش چرخید. و «مطاف» جایگاه (مدار) طواف است.

واقع گردد؛ به گونه‌ای که مقام از طواف خارج باشد.

«محقق حلبی» (۶۰۲-۶۷۶) در «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» نگاشته: «فالواجب سبعة... و أن يكون بين البيت و المقام». ۱۸ واجبات طواف هفت است؛ از جمله: این که بین خانه و مقام واقع شود.

«ابن سعید هزلی» (۶۰۱-۶۸۹) یا (۶۹۰) در «الجامع للشرایع» نوشته: «والطواف سبعة أشواط بين المقام و البيت». ۱۹ طواف هفت دور، بین خانه و مقام است.

«علامه حلبی» (۶۴۷-۷۲۶) در «قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام» آورده: «الطواف بين البيت و المقام و لو ادخل المقام فيه لم یصح». ۲۰ باید طواف بین خانه و مقام باشد و چنانچه مقام را در طواف داخل کند، صحیح نیست.

«شهید اول» (۷۳۴-۷۸۶) در «الدروس الشرعیة» نگاشته: «الطواف بين البيت و المقام فلو أدخله لم یصح فی المشهور و جوز ابن الجنید الطواف خارج المقام عند الضرورة لروایة محمد الحلبي». ۲۱

واجب است طواف بین خانه و مقام باشد. بنابر این، چنانچه مقام داخل در طواف

بنابر این، معنای لغوی «طواف» همان چرخیدن و دور زدن پیرامون چیزی است. صاحب مدارک<sup>۲۸</sup> و شهید - رحمهما الله -<sup>۲۹</sup> از صاحبان این دیدگاه هستند.

\* برخی دیگر را عقیده بر این است که:

چنانچه حجر اسماعیل جزء خانه به شمار آید، مبدأ حد مطاف، دیوار حجر است. محقق ثانی<sup>۳۰</sup> و شیخ حر عاملی<sup>۳۱</sup> از معتقدین این نظرند.

\* از دیدگاه گروه چهارم، حد مطاف در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم است ولی در حال اضطرار، طواف در پشت مقام نیز جایز است. حضرت امام خمینی -رحمة الله علیه - از صاحبان این فتوا هستند.<sup>۳۲</sup>

\* گروه پنجم معتقدند: در حالت عادی، حد فاصل خانه و مقام ابراهیم -ع- را حد مطاف دانسته‌اند، لیکن گفته‌اند: در حال تقیه، طواف خارج این حد نیز صحیح است. صاحب جواهر، بر این نظر است.<sup>۳۳</sup>

\* آخرین نظر این که: حد مطاف، محدود به فاصله میان خانه و مقام ابراهیم -ع- نیست. این گروه نیز در خصوصیات اختلاف کرده‌اند و چون اهمیت زیادی ندارد از ذکر آنها خودداری می‌گردد.

### دیدگاه فقیهان

درباره حد مطاف میان فقها نظرات مختلفی وجود دارد. که ما در اینجا به ایراد شش دیدگاه متفاوت می‌پردازیم:

\* از دیدگاه برخی: فاصله میان بیت و مقام ابراهیم -ع- بیست و شش و نیم ذراع و نزدیک به دوازده متر «حد مطاف» است.

صاحبان این نظریه در خصوصیات آن اختلاف کرده‌اند؛ به گونه‌ای که عده‌ای در چهار سوی طواف، حتی از طرف حجر اسماعیل،<sup>۲۶</sup> این حد را معتبر می‌دانند. بنابر این نظریه، در جانب حجر اسماعیل، پس از کسر حد فاصل حجر اسماعیل از خانه، که طواف از آن باطل است، «حد مطاف» تنها نزدیک شش و نیم ذراع خواهد بود. صاحب مسالک و آیه‌الله گلپایگانی -رحمهما الله -<sup>۲۷</sup> از این رأی جانب‌داری کرده‌اند.

\* برخی دیگر، گرچه حجر اسماعیل را جزء خانه نمی‌شمرند، در جانب حجر اسماعیل، مبدأ حد مطاف را دیوار حجر دانسته‌اند. بنابر این نظریه، حد مطاف در



اختلافی قطع به برائت ذمه حاصل می‌گردد. ولی بر حصول برائت ذمه در طواف، با عمل بر خلاف این روش، دلیلی نیست.

### نقد و بررسی

اولاً: این اجماع مدرکی است؛ زیرا خود «ابن زهره» به دنبال نقل اجماع، این عمل را مبنی بر احتیاط و قاعده اشتغال دانسته است. افزون بر آن، روایت محمد بن مسلم - که به زودی خواهد آمد - بر بطلان طواف در خارج از مقام، دلالت دارد؛ و از این روی، احتمال دارد، مدرک اجماع کنندگان، بر همین روایت باشد؛ پس اجماع از اعتبار ساقط است. از این رو، شیخ طوسی - ره - در «خلاف» و دیگر کتابهایش، ادعای اجماع نکرده و در کتاب «خلاف» تنها به قاعده احتیاط و اشتغال استناد کرده است.<sup>۳۵</sup>

ثانیاً: ادعای اجماع با مخالفت شیخ صدوق در کتاب «من لا یحضره الفقیه»<sup>۳۶</sup> سازگار نیست. زیرا شیخ صدوق در مقدمه کتاب می‌فرماید: «قصدت الی ایراد ما افتی به واحکم لصحته واعتقد فیہ انه حجة فیما بینی و بین ربی.»<sup>۳۷</sup> یعنی: مقصودم از این کتاب آوردن روایاتی است که به آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و معتقدم که آنها

نظر اول و دوم در میان اقوال گذشته، از اهمیت بیشتری برخوردار است و اقوال دیگر به نوعی فرع آنهاست.

از این رو، با تفصیل بیشتری به آنها

می‌پردازیم:

### ادله قول اول:

#### ۱- اجماع

ابن زهره در این مسأله ادعای اجماع کرده؛ سپس، آن را طریق احتیاط و یقین به برائت ذمه دانسته است. وی بعد از بیان واجبات طواف آورده است: «وأن یکون بین البیت و المقام، فمن ترک شیئاً من ذلك لم یجزئه الطواف بدلیل الإجماع الماضي ذکره و طریقة الاحتیاط و یقین لبرائة الذمه لأنه لا خلاف فی برائة الذمة منه اذا فعل علی الوجه الذی ذکرناه و لیس علی برائتها منه اذا فعل علی خلافه دلیل.»<sup>۳۴</sup>

... (گذشته از واجبات دیگر) طواف باید بین خانه و مقام ابراهیم - ع - باشد. پس اگر طواف کننده چیزی از این واجبات را ترک کند، طواف او مجزی نیست، به دلیل اجماعی که (قبلاً) گذشت و چون این شیوه احتیاط و یقین به برائت ذمه است، و به دلیل این که بی‌شک با این روش، بدون هیچ

أول رواية محمد بن مسلم است. «محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى وغيره، عن محمد بن احمد، عن محمد بن عيسى، عن ياسين الضرير، عن حريز بن عبد الله، عن محمد بن مسلم، قال: سألته عن حد الطواف بالبيت الذي من خرج عنه لم يكن طائفاً بالبيت؟ قال: كان الناس على عهد رسول الله - ص - يطوفون بالبيت والمقام و أنتم اليوم تطوفون ما بين المقام و بين البيت فكان الحد موضع المقام اليوم فمن جازه فليس بطائف و الحد قبل اليوم و اليوم واحد قدر ما بين المقام و بين البيت من نواحي البيت كلها فمن طاف فتباعد من نواحيه أبعد من مقدار ذلك كان طائفاً لغير البيت بمنزلة من طاف بالمسجد لانه طاف في غير حد و لا طواف له.»<sup>۴۰</sup>

محمد بن مسلم گفته است: از وی (امام - ع -) راجع به حد طواف بیت پرسیدم، به گونه‌ای که اگر کسی از آن مقدار تجاوز کند، طواف خانه نکرده است؟ امام - ع - در پاسخ فرمود:

در زمان رسول الله - ص - مردم بر گرد خانه و مقام طواف می‌کردند؛ لیکن شما امروز باید میان خانه و مقام طواف کنید. بنابر این، نهایت مطاف مکانی است که امروز «مقام» در آن واقع شده است، پس هر کس

میان من و خدایم حجت است. و در «حد مطاف» روایتی را متعرض شده که بر جواز طواف، حتی پشت مقام، دلالت دارد. ثالثاً: غیر از ابن زهره، کسی ادعای اجماع نکرده است.

## ۲ - قاعدة احتیاط و اشتغال

یکی دیگر از ادله صاحبان نظریه اول، قاعده احتیاط و اشتغال است. شیخ طوسی - ره - در کتاب «خلاف» فرموده: دلیل بر این که طواف باید پشت مقام باشد، قاعده اشتغال و احتیاط است.<sup>۳۸</sup> شبیه این مطلب، در کلام ابن زهره - ره -<sup>۳۹</sup> نیز آمده بود.

## نقد و بررسی

مسأله مورد بحث از قبیل اقل و اکثر ارتباطی است، زیرا معلوم نیست افزون بر شرایط دیگر، طواف، مشروط و مقید به حد و مکان خاصی هست یا نه؟ و همه صاحب نظران گفته‌اند در چنین مواردی (اقل و اکثر ارتباطی) براءت جاری می‌گردد.

## ۳ - روایت

مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل بر قول





### نقد و بررسی

جهت روشن شدن مطلب، تحقیق در سند و دلالت روایت لازم است.

اما از نظر سند:

اولاً: مطابق نقل تهذیب، روایت مضمرة است.<sup>۴۲</sup> چون مرجع ضمیر در «سألته» معلوم نیست، اگر چه مضمرات محمد بن مسلم حجت است؛ زیرا او و همانند او از غیر امام - ع - پرسش نمی‌کنند. ثانیاً: در سند روایت «یاسین ضریر» واقع شده که از نظر اندیشمندان دانش رجال، توثیق ندارد.

نجاشی - ره - درباره وی می‌نویسد: «یاسین الضریر الزیات البصری، لقی أبا الحسن موسی - ع - لما كان بالبصرة و روی عنه و صنّف هذا الكتاب المنسوب اليه، أخبرنا محمد بن علی، قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن يحيى، قال: حدّثنا سعد، قال: حدّثنا محمد بن عيسى بن عبيد، عن ياسين...»

ملاحظه می‌شود که هیچ گونه توثیقی نسبت به وی وجود ندارد.<sup>۴۳</sup>

شیخ - ره - نیز وی را توثیق نکرده و با بیان این که: او را کتابی است و با نقل طریقی به آن کتاب، مطلب را خاتمه داده است.<sup>۴۴</sup>

از آن مقدار تجاوز کند طواف کننده خانه به شمار نمی‌آید. اندازه مطاف در زمان پیامبر - ص - و امروز بطور یکسان، به اندازه فاصله بین خانه و مقام از چهار سوی «بیت» است. پس اگر کسی در یکی از نواحی، از این مقدار دورتر گردد، چیز دیگری جز خانه را طواف کرده؛ مانند این که بر گرد مسجد طواف کرده باشد، زیرا طواف او در غیر حد مطاف واقع شده و این طواف نیست. در سند «تهذیب» به جای «و غیره» آمده: «عن غیر واحد عن أحمد بن محمد بن عيسى.»

به نظر می‌رسد سند کافی به واقع نزدیکتر باشد، زیرا «محمد بن يحيى» همیشه از «أحمد بن محمد» بی‌واسطه نقل می‌کند.

از نظر متن، نقل کافی با تهذیب یکی است، جز این که به جای «خرج عنه» کلمه «خرج منه»<sup>۴۱</sup> آورده است. دلالت روایت بر این که: طواف باید میان بیت و مقام صورت گیرد، تمام است؛ زیرا جمله «أنتم اليوم تطوفون ما بين المقام وبين البيت» ظهور در وجوب دارد. بویژه که در روایت، طواف خارج از مقام را، طواف بر گرد خانه نمی‌داند.

علامه مجلسی - ره - در «مرأة العقول»  
که شرح احادیث اصول کافی است، نسبت به  
سند این روایت محمد بن مسلم، فرموده:  
«مجهول»<sup>۴۵</sup>

همو در کتاب «ملاذ الاخیار فی فهم  
تهذیب الأخبار» بعد از نقل حدیث افزوده:  
«مجهول»<sup>۴۶</sup>

بنابر این، روایت محمد بن مسلم از  
نظر سند اعتبار ندارد و نمی‌توان بر اساس  
آن فتوا به «تحدید مطاف» میان خانه و مقام  
داد؛ اگر چه دلالت آن بر این مطلب تمام  
باشد.

### جواب

برخی از فقها عمل اصحاب را جبران  
کننده ضعف روایت دانسته‌اند. آیه الله  
شاهرودی - ره - فرموده: «ان قلت انه ضعيف  
سنداً قلت انه وان كان ضعيفاً سنداً لكن ذلك  
منجبر بعمل الاصحاب - رضوان الله تعالى  
عليهم - بمضمونه»<sup>۴۷</sup>

چنانچه بر روایت اشکال شود به  
ضعف سند، در پاسخ گفته می‌شود اگر چه  
روایت از نظر سند ضعیف است، لیکن با  
عمل فقها به مضمون آن، ضعف سند جبران  
می‌گردد.

آیه الله داماد - ره - فرموده: «ان  
السند لو كان فيه ضعف لكان منجبراً  
بالعمل»<sup>۴۸</sup>

چنانچه در سند روایت «محمد بن  
مسلم» ضعیفی وجود داشته باشد، با عمل  
«فقها» جبران می‌پذیرد.

اشکال: اولاً: جبران گشتن ضعف  
سند با عمل فقها، مورد اختلاف است؛ زیرا  
برخی از فقها آن را قبول ندارند.

از جمله، در «المعتمد فی شرح  
المناسک» آمده است: «وقد ذكرنا غير مرة  
انّ الإنجبار ممّا لا اساس له عندنا»<sup>۴۹</sup>

بارها بیان کرده‌ایم که جبران شدن  
ضعف سند با عمل اصحاب، در نظر ما  
بی‌دلیل است.

ثانیاً: ضعف سند هنگامی جبران  
می‌گردد که قدمای از فقها که نظر آنها  
برگرفته از ائمه - علیهم السلام - به شمار  
می‌آید به روایت عمل کرده باشند. لیکن در  
ارتباط با مدلول این روایت، همانگونه که در  
بخش تاریخ مسأله گذشت، تا زمان شیخ  
طوسی - ره - اصلاً این مسأله در کتاب‌های  
فقهی عنوان نشده است. و شیخ طوسی نیز  
فقط در کتاب خلاف و مبسوط متعرض این  
بحث گشته است. و در کتاب خلاف، بعد از



ادعای شهرت کرد که تا زمان شیخ طوسی-ره-، به جز وی که به احتیاط تمسک جسته و به جز ابن بزّاج-ره- متعرض آن نشده‌اند. پیش از آن زمان، «شیخ صدوق» فتوا بر خلاف آن داده است. با این اشکال‌ها بر صغری و کبرای شهرت، واضح می‌گردد که ضعف خبر محمد بن مسلم به قوت خود باقی است و از اعتبار و حجیت ساقط است. در نتیجه، فتوا به این که: واجب است طواف در حد فاصل میان خانه و مقام ابراهیم باشد، بی‌دلیل است.

### بررسی قول دوم

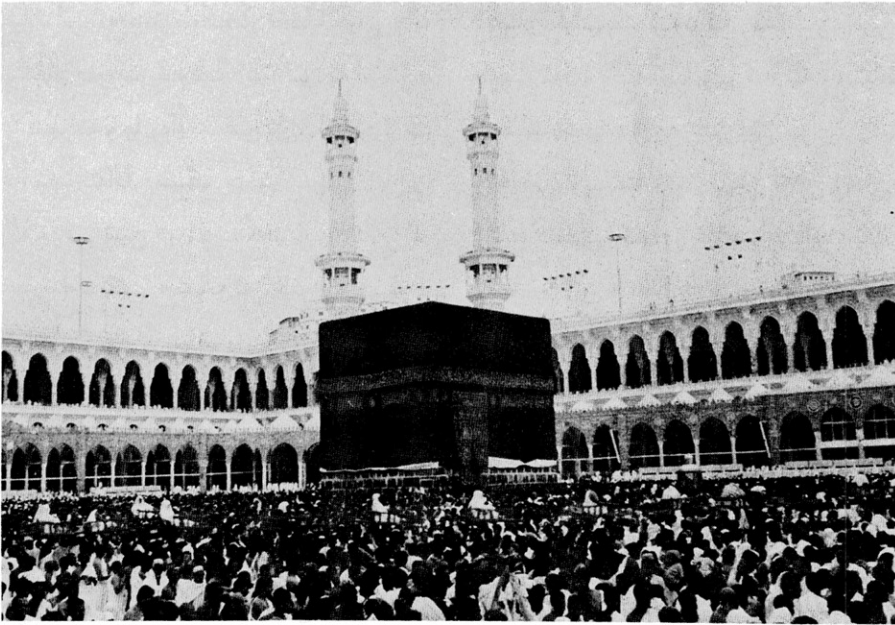
صاحبان نظریه دوم، به روایت «حلبی» استدلال کرده‌اند: «محمد بن علی بن الحسین، باسناده عن ابان، عن محمد بن علی الحلبي، قال: سألت ابا عبد الله - عليه السلام - عن الطّواف خلف المقام؟ قال: ما أحبّ ذلك و ما أرى به بأساً فلا تفعله إلا أن لا تجد منه بدأ.»<sup>۵۳</sup> امام صادق - علیه‌السلام - در مقام پاسخ از سؤال حکم طواف پشت مقام ابراهیم فرمودند: آن را دوست ندارم، گر چه اشکالی در آن نمی‌بینم؛ پس چنین مکن مگر این که ناچار شوی.

بیان این که باید طواف در فاصله میان خانه و مقام صورت پذیرد، از استدلال به اجماع و یا شهرت و یا روایت خودداری کرده و به قاعده احتیاط تمسک جسته است؛<sup>۵۰</sup> با این که روش شیخ در کتاب «خلاف» حتی در موارد اختلافی تمسک به اجماع و شهرت است.

بعد از شیخ، تا زمان قاضی «ابن براج» (متوفای ۴۸۱ ه. ق.) کسی متعرض این مسأله نشده و ابن براج نیز در کتاب «جواهر الفقه» مسأله را عنوان نکرده و فقط در «المهدّب فی الفقه» متعرض آن گشته است.<sup>۵۱</sup>

گذشته بر اینها، «شیخ صدوق» در «من لا یحضره الفقیه» روایت «حلبی» را که دلالت دارد بر جواز طواف حتی پشت مقام ابراهیم، نقل کرده است. از نقل این روایت به ضمیمه مطلبی که در مقدمه کتاب فرموده است:<sup>۵۲</sup> «قصد دارم روایاتی را بیاورم که بر پایه آنها فتوا می‌دهم و حکم به صحت آنها می‌کنم و باور دارم که آنها میان من و خدایم حجت است.» استفاده می‌گردد که شیخ صدوق فتوا به صحت طواف پشت مقام داده است.

بنابر این، چگونه می‌توان در حکمی



فرمود: ای ابان، در مسجد مدینه بنشین و برای مردم فتوا بده، من دوست دارم همانند تو در میان پیروانم فراوان دیده شوند.

برخی از فقها؛ از جمله: شیخ حسن، فرزند شهید ثانی در «منتقى الجمان» فرموده است: «مراد از ابان در سند این روایت، ابان بن عثمان است.»<sup>۵۵</sup> و نیز مقدس اردبیلی - ره - فرموده: «ظاهراً مراد، ابان بن عثمان است.»<sup>۵۶</sup>

چنانچه این مطلب صحیح باشد، به اعتبار سند ضرر نمی‌رساند؛ اگر چه برخی ابان بن عثمان را «واقفی» و برخی «ناوسی»

در حکم بر پایه این حدیث، باید در دو جهت «سند» و «دلاله» روایت بحث کنیم:

اول: روایت از سند بی‌اشکال است؛ زیرا «ابان» به قرینه راوی و مروی عنه، ابان بن تغلب است و شکی در وثاقت وی نیست؛ چون توثیقات زیادی درباره‌اش رسیده است؛ از جمله:

«قال له أبو جعفر - ع - اجلس فی مسجد المدینة و افت الناس فانی أحب أن یری فی شیعتی مثلك.»<sup>۵۴</sup>

امام موسی بن جعفر - ع - درباره وی

به بعد، بسیاری از فقها (متأخران) به این روایت عمل کرده‌اند. از جمله:

علامه - ره - در «منتهی الطالب» فرموده: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف در خارج از مقام به هنگام ضرورت.»<sup>۶۱</sup>

در «مدارک الاحکام» فرموده: «ظاهر عبارت شیخ صدوق، فتوا به مضمون روایت حلبی است و این فتوا بعید نیست.»<sup>۶۲</sup>

صاحب جواهر - ره - فرموده: «خبر حلبی دلالت دارد بر جواز طواف خارج از مقام در حال تقیه.»<sup>۶۳</sup>

همو نوشته: «ابو علی، بر اساس صحیحۃ حلبی فتوا به جواز طواف خارج از مقام داده است.»<sup>۶۴</sup>

نراقی - ره - فرموده: «اگر مخالفت شهرت و اجماع روا باشد، باید به مضمون موثقه حلبی فتوا داده شود.»<sup>۶۵</sup>

صاحب ذخیره - ره - فرموده: «فتوا به مضمون روایت حلبی ندادن مشکل است.»<sup>۶۶</sup>

صاحب ریاض - ره - فرموده: «اسکافی طواف خارج از مقام را جایز شمرده است.»

صاحب جواهر حکایت کرده: «علامه

و برخی «فطحی» شمرده‌اند. زیرا، اولاً: این نسبت مورد اختلاف است و بعضی از اندیشمندان بزرگ رجال، در آن اشکال کرده‌اند.<sup>۵۷</sup>

ثانیاً: فساد مذهب با فرض ثقه و مورد اطمینان بودن راوی، در قبول روایت وی تأثیری ندارد، از باب: «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا.»

ثالثاً: وی، از مشایخ «ابن ابی عمیر» است؛ پس مشمول شهادت عام شیخ می‌گردد که: «لا یروی الا عن ثقة.»<sup>۵۸</sup> و نیز از اصحاب اجماع است.<sup>۵۹</sup>

بنابر این، سند بی‌اشکال است به ویژه که شیخ صدوق به آن عمل کرده است. اشکال دیگری که بر روایت شده

عبارتست از اعراض مشهور. آیه الله شاهرودی - ره - فرموده: «ولکن اعراض الاصحاب عنه مانع عن العمل به.»<sup>۶۰</sup> اعراض فقها مانع عمل کردن به این حدیث است.

این اشکال نیز درست نیست؛ زیرا، اولاً: با عمل و فتوای شیخ صدوق - ره - به این روایت، همانگونه که پیش از این بیان شد، چگونه اعراض ثابت می‌گردد. بویژه که تا

زمان شیخ طوسی - ره - این مسأله در کتاب‌های فقهی عنوان نشده و از زمان شیخ

ثالثاً: وهن روایت با اعراض مشهور، مورد اختلاف است؛ زیرا برخی<sup>۶۹</sup> از فقها اعراض را موهن نمی‌دانند پس اشکال بنایی است.

### اما از نظر دلالت

بی‌شک جمله: «ما أَحَبُّ ذَلِكَ و ما أَرَى به بأساً» اگر نگوئیم نص در جواز است، بی‌شک در صحت طواف پشت مقام ابراهیم به هنگام اختیار، ظهور قوی دارد. و این دو جمله، قرینه‌ی تنزیهی بودن نهی در جمله: «فلا تفعله» است. بنابر این، طواف پشت مقام ابراهیم در حال اختیار مکروه است و در حال اضطرار، این کراهت مرتفع می‌گردد. و بر فرض قبول جبران ضعف سند به عمل مشهور، روایت، متعارض می‌گردد و ترجیح با روایت حلبی است؛ زیرا موافق اطلاق کتاب است. و ترجیح به موافقت کتاب بر ترجیح به مخالفت عامه مقدم است. چون بر مبنای روایت راوندی، اول باید دو خبر متعارض را به قرآن عرضه کرد و موافق کتاب را اخذ نمود. و اگر هیچ کدام موافق کتاب الله نبود، باید مخالف عامه را گرفت. و آنگاه بر فرض تساوی، نوبت به تخییر یا تساقط می‌رسد.

در مختلف و تذکره تمایل به فتوا به مضمون خبر حلبی نشان داده است.»<sup>۶۷</sup>  
مقدس‌اردبیلی - ره - فرموده: «روایت حلبی دلالت دارد بر جواز طواف به هنگام ضرورت همانگونه که در منتهی فرموده است.»<sup>۶۸</sup>

آنچه گذشت، دیدگاه عده‌ای از فقها است که به مضمون خبر حلبی عمل کرده‌اند. و چنانچه تتبع شود بطور مسلم فقهای دیگری نیز به مضمون آن عمل کرده‌اند حال یا رد کرده‌اند و یا حمل بر تقیه و یا حمل بر ضرورت و یا قبول کرده‌اند، در هر صورت، ادعای اعراض بی‌اساس است.

ثانیاً: اعراض مشهور هنگامی موهن روایت است که کاشف از خلل در نقل و یا منقول باشد، و چنانچه احتمال داده شود که اعراض از جهت وجه صناعی بوده، موهن نخواهد بود. در اینجا، احتمال دارد بل اطمینان هست که عمل نکردن مشهور، به این دلیل بوده که در بیان این دو روایت تعارض دیده‌اند و روایت حلبی را چون موافق عامه بوده، طرح کرده‌اند. شاهد بر این مطلب، نظر صاحب جواهر است که فرموده: «طواف خارج از مقام در صورت تقیه صحیح است.»



فرموده: «وبهذا الطريق الذي أبدیناه اخیراً يمكنك تصحيح جملة من الروایات.»<sup>۷۱</sup> با این روش (تعویض سند) که به تازگی بدان دست یافته‌ایم، تصحیح بسیاری از روایات ممکن است.

بنابر این مبنا، خبر «محمد بن مسلم» با ضعف «یاسین ضریر» از اعتبار ساقط نمی‌شود. زیرا شیخ در فهرست فرمود: «له کتب اخبرنا بجمع کتبه و روایاته الشیخ أبو عبدالله محمد...» ضریر کتاب‌های زیادی دارد که شیخ مفید آنها و روایاتش را به ما خبر داده است. پس شیخ راه دیگری به تمامی کتاب‌ها، و روایات ضریر دارد. در نتیجه، با اعتبار روایت محمد بن مسلم، میان این دو خبر، تعارض می‌شود و باید روایت محمد بن مسلم را برای حل تعارض بر کراهت حمل کنیم؛ زیرا جمله‌های: «لا أحب» و «لا بأس» در روایت حلبی صریح در جواز است و این قرینه می‌شود که ظهور جمله: «لیس بطائف» در روایت محمد بن مسلم بر کراهت حمل شود.

ب- چنانچه نظر مشهور در حد مطاف را (فاصله میان خانه و مقام) بپذیریم، مبدأ این فاصله (۲۶/۵ ذراع) دیوار خانه و یا دیوار حجر خواهد بود. و در این مسأله نیز،

که در صورت تساقط، مرجع، اطلاق ادله طواف است که شامل طواف پشت مقام نیز می‌گردد.

### نتیجه

تا کنون ثابت شد که طواف پشت مقام ابراهیم در حال اختیار مکروه است و این کراهت با اضطرار مانند ازدحام و ... مرتفع است. پس اقوال دیگر صحیح نیست. آری احتیاط همیشه خوب است. بویژه در عبادتی همانند حج که بر هر مکلفی در تمام عمر یک بار بیشتر واجب نیست و اساس بسیاری از مناسک آن، بر تحمل زحمت و مشقت و امتحان بنا شده است. در خاتمه جهت تکمیل بحث به چند مطلب دیگر اشاره می‌کنیم:

الف - مرحوم آیه الله العظمی خوئی، در شرح مناسک، چون «یاسین ضریر» در سند روایت «محمد بن مسلم» واقع شده که او مجهول است، روایت را ساقط کرده‌اند و بر اساس روایت حلبی که از نظر سند و دلالت تمام است، فتوا به جواز طواف پشت مقام داده‌اند.<sup>۷۰</sup>

لیکن، این فقیه محقق مدقق، تعویض در سند را قبول دارد؛ چون در تنقیح

چند قول هست:

اول: مبدأ، دیوار خانه است. صاحب «مسالك» که خود این نظر را ابراز کرده، فرموده است: «ويجب مراعاة هذه النسبة من جميع الجهات؛ فلو خرج عنها ولو قليلاً بطل و من جهة الحجر يحتسب المسافة بأن ينزل منزلة البيت».<sup>۷۲</sup> واجب است رعایت این فاصله (۲۶/۵ ذراع) در تمام اطراف؛ بنابراین، اگر مختصری از این حد تجاوز کند، طواف باطل است. و در طرف حجر اسماعیل، ملاک دیوار حجر است که حجر به منزله بیت می شود.

دوم: مبدأ، دیوار حجر است، اگر حجر از بیت باشد.

صاحب جواهر در تأیید این نظر فرموده: «لا اشكال في احتساب المسافة من جهة الحجر من خارجه، بناءً على أنه من البيت».<sup>۷۳</sup>

در محاسبه حد مطاف (۲۶/۵ ذراع) از خارج دیوار حجر، اشکالی نیست، بنابراین این که حجر جزء خانه باشد.

سوم: مبدأ، دیوار حجر است، گرچه حجر را جزء خانه ندانیم. صاحب مدارک<sup>۷۴</sup> این رأی را پسندیده و فرموده: «و تحتسب المسافة من جهة الحجر من خارجه.» حد

مطاف در طرف حجر اسماعیل از خارج حجر به حساب می آید.

### نقد و بررسی

بی تردید، مفاد روایت «محمد بن مسلم» قول اول است؛ زیرا اطلاق عبارات امام -ع- که فرمود: باید طواف در حد فاصله میان خانه و مقام ابراهیم (۲۶/۵ ذراع) واقع شود، شامل تمام چهار طرف می گردد؛ بویژه این جمله: «و الحد قبل اليوم و اليوم واحد قدر ما بين المقام وبين البيت من نواحي البيت كلها، فمن طاف بالبيت فتباعد من نواحيه ابعد من مقدار ذلك كان طائفاً بغير البيت.»

بنابر این، استثنای ناحیه حجر اسماعیل از این حد، نیاز به دلیل دارد.

برخی از فقها فرموده اند:<sup>۷۵</sup> از عبارت: «قدر ما بين البيت و المقام» ظاهر می شود که: حد طواف (۲۶/۵ ذراع) از جایی که طواف جایز است محاسبه می گردد، نه این که از خانه به مقدار بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف است. و در طرف حجر، چون طواف از کنار حجر جایز است، تا بیست و شش و نیم ذراع، حد مطاف خواهد بود.

به عبارت روشن تر: امام -ع- این فاصله (۲۶/۵ ذراع) را از هر جا که طواف



صحيح است، حد مطاف قرار داده، نه فاصله بيست و شش و نيم ذراع از خانه را، تا در نتيجه، در جانب حجر، فاصله حجر اسماعيل از اين مقدار كم گردد.

در اين مسأله نيز چند نظر وجود دارد: برخي از فقها مانند صاحب جواهر - ره - ملاك را مقام حقيقي دانسته است. وي، فرموده: «ظاهر اين است كه مسافت ميان خانه و مقام حقيقي در طواف است.»<sup>۷۷</sup> برخي نيز فرموده‌اند: «ملاك مقام عرفي است.»

برخي فقها، بر اين مطلب ادعای شهرت بل اجماع کرده و فرموده‌اند: «و المشهور لدى الاصحاب بل كاد أن يكون اجماعاً هو الثاني فعليه لا يتضييق الناس عند الطواف مع الزحام.»<sup>۷۶</sup>

صاحب حدائق - ره - فرموده: «برخي از فقها، مقام را در معنای عرفي آن؛ يعني سنگ و بنا استعمال کرده‌اند.»<sup>۷۸</sup>

مشهور فقها بل اجماع آنان بر قول دوم (احتساب مسافت مطاف از ديوار حجر) است. بنا بر اين، با فراواني جمعيت، مردم به هنگام طواف دچار سختي نمی‌شوند.

### نقد و بررسی

در اين رابطه، دليل خاصی كه دلالت كند، ملاك مقام حقيقي است يا مقام عرفي، وارد نشده است.

شاهد ديگر اينكه: اگر حد مطاف، محدود به شش متر بود - از باب «لو كان لبان» - به شكلي صريح بيان می‌گشت؛ چه اين كه مسأله مورد ابتلاء مردم است و اهل سنت به حد خاصی قائل نیستند. و اين در حالی است كه هيچ روايتی در اين جهت غير از اطلاق روايت محمد بن مسلم به ما نرسيده است.

بی‌شك، مقام در كلمات فقها بر مقام عرفي اطلاق گشته است. محدث بحرانی - ره - فرموده: «در نظر عرف، مقام عبارتست از سنگ بنای اطراف آن و فقها نيز اين معنا را در كلماتشان استعمال کرده‌اند.»<sup>۷۹</sup>

ج - آیا حد فاصل بين خانه و مقام حقيقي (سنگی كه ابراهيم - ع - بر آن ايستاده) حد مطاف است، يا حد فاصل بين خانه و مقام عرفي (سنگ همراه ديوار

هميشه، عناوين شرعی بر معنای عرفي آن حمل می‌گردد، مگر اين كه شارع، بيان و تعريف خاصی داشته باشد. بله، اگر ادعا شود كه حمل مقام بر

معنای عرفی آن، مجازی است؛ در این صورت، اگر چه اصالة الحقیقه این احتمال را دفع می‌کند، لیکن، بدون شک، استعمال مقام در لسان شرع در مقام حقیقی آن اظهر است. پس ملاک، مقام حقیقی است؛ بویژه که موافق احتیاط است. بنابر این، چنانچه رعایت حد فاصل میان خانه و مقام لازم باشد، ملاک مقام حقیقی است.

### مقاله در یک نگاه

خلاصه آنچه خواندید از این قرار است:

**الف -** تحدید مطاف تا زمان ابن زهره (۵۸۵ هـ) در کلمات فقیهان شیعی به جز برخی کتاب‌های شیخ وابن براج -رحمهما الله- دیده نشده است؛ پس شهرتی که جابر ضعف سند روایت باشد وجود ندارد. بل شیخ نیز در مسأله به احتیاط تمسک جسته است.

**ب -** طواف در لغت، به معنای دور زدن است و اهل لغت در این جهت اختلاف

ندارند.

**ج -** در مسأله شش قول است و با تتبع ممکن است چیزی افزون بر آن یافت شود.

**د -** اجماع و قاعده احتیاط و روایت محمد بن مسلم، ادله قول به تحدید مطاف است. و همه آنها مورد بررسی گردید و رد شد.

**ه -** دلیل قول به جواز طواف پشت مقام ابراهیم، روایت حلبی است که از نظر سند و دلالت تمام است و اعراض فقها از آن ثابت نیست؛ بلکه بسیاری از فقها به آن عمل کرده‌اند.

**و -** بنابر قبول قول تحدید طواف، راجع به این که مبدأ مطاف در طرف حجر اسماعیل، دیوار خانه است یا حجر، سه قول بیان شد و ثابت‌گشت، مبدأ، دیوار حجر است.

**ز -** مقصود از مقام، مقام حقیقی است نه مقام عرفی.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

## ● پی نوشتها:

- ۱ - مقام ابراهیم سنگی است در فاصله ۲۶/۵ ذراعی در خانه که حضرت ابراهیم -ع- بر روی آن ایستاده است یا جهت بالا بردن دیوار خانه و یا به جهت اعلان و یا جهت شستشوی سر. (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۳۲، مؤسسة الوفاء؛ نیز بنگرید: جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۵)
- ۲ - علی اصغر مروارید، سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۷، ص ۳۱، مؤسسه فقه الشیعه دارالاسلامیه.
- ۳ - همان، ص ۵۰
- ۴ - همان، ص ۱۰۶
- ۵ - همان، ص ۱۲۶
- ۶ - همان، ج ۳۰، ص ۱۴۰
- ۷ - همان، ج ۷، ص ۱۵۵
- ۸ - همان، ص ۱۸۹
- ۹ - همان، ص ۲۲۹
- ۱۰ - همان، ج ۳۰، ص ۷۹
- ۱۱ - همان، ج ۳۰، ص ۲۲۹
- ۱۲ - همان، ج ۷، ص ۲۴۱
- ۱۳ - همان، ص ۲۵۱
- ۱۴ - همان، ص ۲۹۰
- ۱۵ - همان، ج ۸، ص ۴۰۲
- ۱۶ - همان، ص ۴۳۶
- ۱۷ - همان، ص ۵۳۳
- ۱۸ - همان، ص ۶۴۰
- ۱۹ - همان، ص ۷۰۸
- ۲۰ - همان، ص ۷۴۹
- ۲۱ - همان، ج ۳۰، ص ۴۱۵
- ۲۲ - الخلیل القراهیدی، عبدالرحمن، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۵۸، منشورات دارالهجره.
- ۲۳ - ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث والاثار، ج ۳، ص ۱۴۳، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۲۴ - احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۳۲ مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۵ - فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۲۰، دارالکتب العلمیه.
- ۲۶ - حجر اسماعیل -ع- نیم دایره‌ای است که بین رکن شامی و رکن غربی واقع شده و مدفن اسماعیل و مادرش هاجر و دختران او و تعداد زیادی از انبیاء -علیهم السلام- است. جهت اطلاع بیشتر رک: کتاب اخبار مکه، ص ۲۳۴؛ و فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۰
- ۲۷ - مناسک حج و احکام عمره، «دارالقرآن الکریم» چاپ ششم، ونیز: آراء المراجع فی الحج، ص ۲۳۰؛ و مسالک الافهام، ج ۱، ص ۱۲۱
- ۲۸ - وی در مدارک الاحکام می‌فرماید: «و تحتسب المسافه من جهة الحجر من خارجه وان کان خارجاً من البيت.» ج ۸،

- ص ۱۳۱ مؤسسه آل البيت.
- ۲۹- عبارت شهید - ره - در «مسالك» همانند عبارت مدارک است که در پاورقی ۳ گذشت.
- ۳۰- جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۲، ص ۱۹۳، تحقیق مؤسسه آل البيت.
- ۳۱- وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵۰، پاورقی، مؤسسه آل البيت.
- ۳۲- مناسک حج، ص ۱۵۸، مسأله ۲، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.
- ۳۳- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۹، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۴- الجوامع الفقهیه، ص ۵۷۸، انتشارات جهان.
- ۳۵- سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۳۰، ص ۴۳۶
- ۳۶- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹
- ۳۷- همان، ج ۱، ص ۳
- ۳۸- سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۳، ص ۴۳۶
- ۳۹- الجوامع الفقهیه، ص ۵۷۸
- ۴۰- وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۵، باب ۲۸ ابواب طواف، ح ۱، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث؛ کافی، ج ۴، ص ۴۱۳
- ۴۱- طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۸، ح ۲۵۱، انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران.
- ۴۲- همان.
- ۴۳- رجال نجاشی، ص ۴۵۳، چاپ مؤسسه نشر اسلامی.
- ۴۴- معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۱۱، مدینه العلم.
- ۴۵- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۸، ص ۳۱، دار الکتب الاسلامیه.
- ۴۶- ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار، ج ۷، ص ۳۹۲، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۴۷- کتاب الحج، تقریر بحث آیه الله سید محمود حسینی هاشمی، ج ۴، ص ۳۱۳، مطبعة القضا فی النجف.
- ۴۸- کتاب الحج، تقریر بحث آیه الله حاج سید محمد محقق، ج ۳، ص ۴۳۹
- ۴۹- المعتمد، ج ۴، ص ۳۴۱، ناشر لطفی.
- ۵۰- سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۳۰، ص ۲۲۹
- ۵۱- همان، ج ۷، ص ۲۴۱
- ۵۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹، دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۳- وسایل الشیعه، ج ۱۳، باب ۲۸، ابواب الطواف، ح ۱، ص ۳۵۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۴- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۹۷، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۵۵- شیخ جلیل، حسن بن زین الدین، الشهید الثانی، منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الحسان، ج ۳، ص ۲۶۴، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۵۶- مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۸۷، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۵۷- قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱۴
- ۵۸- معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۰۲، منشورات مدینه العلم.
- ۵۹- قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱۶؛ معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ص ۲، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۶۰- کتاب الحج، ج ۳، ص ۲۱۲، و نک: تقریر بحث حضرت آیه الله فاضل لنکرانی - دام ظلّه -.
- ۶۱- منتهی الطالب، ج ۲، ص ۶۹۰
- ۶۲- مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۳۱، مؤسسه آل البيت.

- ٦٣- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨
- ٦٤- همان، ص ٢٩٧
- ٦٥- مستند الشيعة، ج ١، ص ٢٢٤، مكتبة المرتضوى.
- ٦٦- ذخيرة المعاد في شرح الارشاد، محقق سبزواری، ص ٦٢٨
- ٦٧- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨
- ٦٨- مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان، ج ٧، ص ٧٨
- ٦٩- المعتمد في شرح المناسك، ج ٤، ص ٣٤١
- ٧٠- المعتمد، ج ٤، ص ٣٤١
- ٧١- التنقيح في شرح العروة الوثقى، ج ٣، ص ٦٨٤، مؤسسه آل البيت.
- ٧٢- مسالك الافهام في شرح شرايع الاسلام، الشهيد السعيد، زين الدين بن علي العاملي، ج ١، ص ١٢١، بصيرتي.
- ٧٣- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨
- ٧٤- مدارك الاحكام في شرح شرايع الاسلام، ج ٨، ص ١٣١، مؤسسه آل البيت.
- ٧٥- اين نظر را از آية الله سيد موسى شبيري - دام ظلّه - در روز ١٨/٦/٧٤ شنيدم.
- ٧٦- كتاب الحج، تقرير ابحاث آية الله سيد محمد محقق، ج ٣، ص ٤٣٨
- ٧٧- جواهر الكلام، ج ١٩، ص ٢٩٨
- ٧٨- حقائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، ج ١٦، ص ١١٤
- ٧٩- همان.